

سوره انشراح؛ امید و پله پله تا ملاقات خدا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱) وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۲) الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۳) وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

(۴) فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶) فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷) وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۸)

1- فرمود: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» هان ای پیامبر خدا! مگر جز آن است که سینه و صدر تو را گشوده کردیم تا در هر میدانی که وارد می‌شوی و یا با هر حادثه‌ای که روبه‌رو می‌گردی، با گشودگی ایمانی و سعه صدر ربّانی در آن صحنه حاضر شوی؟ این یعنی ما راز حضور در تاریخ محمدی «صلوات الله علیه و آله» را باید با همان آرامش و امیدواری که به آن حضرت عطا شده، دنبال کنیم تا در مقابل سختی‌هایی که در این مسیر با آن روبه‌رو می‌شویم، نه تنها خود را نبازیم بلکه در بستر حضور «ما می‌توانیم» که حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» متذکر آن بودند، بنا به گفته رهبر معظم انقلاب کلید حلّ همه مشکلات را در همین گفتار بیابیم و به گفته ایشان اگر مشکلات را مشاهده می‌کنیم باید انگیزه‌مان تقویت بشود برای پیدا کردن راه‌های رفع مشکل در همان بستر «ما می‌توانیم». این همان شرح صدر محمدی «صلوات الله علیه و آله» است زیرا مگر نه آن که در مسیر تاریخی که با انقلاب اسلامی شروع شد همین شرح صدر بود که اولاً: ما را متوجه ظرفیت‌های عجیب تاریخی‌مان کرد و ثانیاً: ذیل همین شرح صدر بود که قدرت مشکلات کمرشکنی را که جهان استکباری شکل داد، خنثی شد و ایران اسلامی به حکم: «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» شهره آفاق گشت، و این یعنی نظر به «امیدی» که پس از «ایمان» به سراغ موحدان تاریخ آمده است.

2- باید از خود بپرسیم چه نوع امیدی در دل این آیات نهفته است که حضرت حق می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (5) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (6)؟ آیا جز این است که نوعی آزاد شدن از سختی‌ها در دل

پایداری‌ها و عقب‌نشینی‌نکردن‌ها در مقابل مشکلات حاصل از «ایمان» در میان است؟ و این‌که تنها در این رابطه می‌توان در چرخه «امید» قرار گرفت.

3- اگر «امید» تنها عامل نگهداری آدمی در مقابل سختی‌ها است، این «امید»، امیدی است که در بستر زندگی توحیدی که همان «ایمان» است به سراغ انسان می‌آید و ایمان به خدا در اینجا یعنی بیش از آن‌که به قدرت‌های دنیایی و ابزارهای قدرت امید داشته باشیم، متوجه نقش خداوند در عالم باشیم و نه مقهور اسباب‌های دنیایی؛ و این یعنی همان دیده سبب سوراخ‌کن که جناب مولوی متذکر آن است و می‌فرماید:

دیده‌ای خواهی سبب سوراخ کن تا سبب را بر
گند از بیخ و بُن

این یعنی از اسباب، جلوتر رفتن و مسبب‌الاسباب را دیدن که همان عامل نرم‌افزاری حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» بود که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله‌تعالی»: «آن دو عامل نرم‌افزاری حضرت امام «ایمان» و «امید» بود، چیزی که امام را در این راه پیش برد و او را قادر کرد این تحولات عظیم را در سطح کشور و در سطح امت و در سطح جهان برای طول تاریخ به وجود آورد.»

4- این‌که فرمود: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» پس آن‌گاه که از سختی‌های پیش‌آمده فارغ شدی، باز همچنان آرام مگیر. این یعنی درک حضور خود در عالم، درک حضوری ماورای هراس و فرار از سختی‌ها، یعنی درک خویش در سطحی دیگر، یعنی حضور در عالم ملکوت زیرا امید به اسباب، انسان را وابسته به اسباب می‌کند و این غیر از امیدی است که با نظر به رحمت الهی برای انسان پیش می‌آید. آیا حضور دولتی بعد از دولت لیبرال‌ها یعنی دولتی که امید به کدخدای جهان داشت؛ حکایت از آن ندارد که

باید به آینده‌ای که در پیش است امیدوار بود، آینده‌ای که «ایمان» و «امید»، آن آینده را ترسیم می‌کند؟ با توجه به این امر به راست‌ترین سخن و رهنمود قرآنی این زمانه نظر کنید که رهبر معظم انقلاب در 14 خرداد امسال در حرم حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» با ما در میان گذاشتند و فرمودند:

«من می‌گویم هر که ایران را دوست دارد، هر که منافع ملی کشور را دوست دارد، هر که بهبود اوضاع اقتصادی را دوست دارد، از مشکلات اقتصادی و معیشتی رنج می‌برد و می‌خواهد آن را اصلاح کند، هر که به دنبال جایگاه باعزت ایران در نظم جهانی پیش رو است، هر که این چیزها را دوست دارد، باید برای ترویج ایمان و ترویج امید در ملت تلاش کند؛ این وظیفه است؛ این وظیفه همه ما است؛ این همه حرف من با نخبگان، با هسته‌های انقلابی، با مجموعه‌های سیاسی، با همه آحاد مردم متعهد است. باید همه ما تلاش کنیم تا در این کشور ایمان و امید زنده بماند.»

5- با توجه به سخنان فوق آیه: «وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» به این معنا است که در مسیر رویارویی با سختی‌ها در متن تاریخ توحیدی که شروع شده، به سوی پروردگار خود رغبت نشان بده و این یعنی پله پله تا ملاقات خدا و پیوستن به بی‌نیازی که ما را نسبت به حرص جهان تجدد مستغنی می‌کند، جهانی که متوجه نیست در دل طوفان روزگار می‌تواند به سوی پروردگار انسان رغبت پیدا کرد. چه اندازه دهشتناک است که انسان در دل سختی‌ها، خود را در جهانی بی‌خدا احساس کند!! راستی! زندگی و بودن بدون خدا چه معنایی دارد

وقتی شیطان جای خدایی را که به سوی او رغبت نداشته باشیم می‌گیرد و عملاً ناحقیقت جای حقیقت را می‌گیرد و انسان نمی‌فهمد با غفلت از خدایی که در سختی‌ها باید به سوی او رغبت کند، چه اندازه سرگردانی به سراغش می‌آید؟!!

6- غفلت از خدایی که باید در تاریخ توحیدی به سوی او رغبت داشت و متوجه آغوش پروردگاری او شد؛ موجب می‌شود تا انسان زندگی را به‌کلی انکار کند و این یعنی نیست‌انگاری، و این یعنی انکار فرهنگ و تاریخی که ریشه‌های اصیل زندگی است.

وقتی پس از آیات: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (5) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (6) و وقتی پس از آیه: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (7) فرمود: «وَأِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» (8)؛ این یعنی ارتقای روحیه «امید» در مدار انقلاب اسلامی و ایران. این یعنی زندگی در بستر «ایمان» و «امید»، بستری که تنها در این بستر، شمع روشنی‌بخش ما خاموش نمی‌شود، زیرا مسیری را مقابل خود گشوده می‌یابیم که رغبت به سوی پروردگاران است و این‌جا باز حاج قاسم و این‌که فرمود: «برادران عزیز! سروران گرامی! راه آن قدر باز است که هیچ مانعی برابر ما وجود ندارد. این به معنای آن نیست که ما با حکمت عمل نکنیم. این به این معنا نیست که احساسات را بر حکمت غلبه دهیم. خیر! پیوسته باید با حکمت عمل کنیم. کما اینکه سپاه در طول بیست سال، با راهبرد بین جنگی، دشمن را وادار به شکست کرد. امروز برای توسعه اسلام بر اساس رهبری مقام معظم رهبری مانعی وجود ندارد.»

با توجه به آنچه گذشت به این آیه نظر کنید که خداوند با جدیت تمام می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ

أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ
 قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ
 الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ
 اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره / 214) پیامبر خدا و مؤمنان! آیا گمان
 کردید داخل بهشت می‌شوید، بی آن‌که حوادثی همچون
 حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانا آن‌ها با
 انواع گرفتاری‌ها و جنگ‌ها و بحران‌ها روبه‌رو
 شدند تا آن‌جایی که پیامبر خدا و مؤمنان، به
 یاری خدا شک نمودند؛ گفتند: «پس یاری خدا کی
 خواهد آمد؟!» و خداوند آن‌گاه که در دل آن
 سختی‌ها همچنان صبر پیشه کردند، خبر داد آگاه
 باشید، یاری خدا نزدیک است! و نیز در جای
 دیگر می‌فرمایند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ
 فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ
 يَتَضَرَّعُونَ» (انعام/42) و همانا ما پیغمبرانی به سوی
 امتان پیش از تو فرستادیم، پس در راستای شرایط
 جدید و برای آن‌که از اسباب معمولی دنیایی که
 بدان عادت کرده بودند رها شوند، آن‌ها را به
 انواع درگیری‌ها با دشمنان خدا و سختی‌ها
 گرفتیم، به امید آن‌که به خداوند رجوع کنند
 و با تضرع به ساحت کبریای اش، جهان خود را خدایی
 کنند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته